

چهره سازی از جنایتکار، عادی سازی جنایت است

فرج سرکوهی

اگر سعید امامی هم زنده بود به عنوان «کارشناس» به برنامه‌های بی.بی.سی فارسی دعوت می‌شد؟

این نوشته می‌توانست فقط یک یا دو پاراگراف باشد در انتقاد از عادی سازی جنایت در شیوه غیرچالشی حضور یکی از همکاران انتشاراتی سعید امامی در بی.بی.سی فارسی اگر نظام ارزشی جامعه ما و برخی گرایش‌های سیاسی تا حد کنونی به سقوط کشانده نشده بود اما پاسخ به توجیه‌های برخاسته از این سقوط توضیحاتی فشرده را الزامی می‌کند.

در باب این سقوط کافی است به یادآوریم که گروه بسیاری از مردمان به قاتلان شناخته شده «فهرست امید» خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی رای دادند و بسیاری از مدعیان آزادی خواهی و برخی رسانه‌های مدعی حرفه‌ای بودن رای دادن به این فهرست را تبلیغ می‌کردند. سعید امامی و همکار او- ناشر متن برنامه هویت -، هرچه بودند و باشند، از قاتلانی چون ری شهری، دری نجف آبادی و... فهرست امید و از پورمحمدی، وزیر دادگستری سابق روحانی، جنایت‌کارتر نیستند پس اگر کسی می‌تواند به سود رای دادن بدان‌ها تبلیغ کند، همکار انتشاراتی سعید امامی را هم می‌تواند بپذیرد. قبح جنایت که ریخت عادی می‌شود.

پیش‌درآمد

قبح زشتی که ریخت زشتی نهادینه و بهنجار می‌شود و عادی سازی جنایت راه بر تکرار جنایت هموار می‌کند. بررسی شیوه حضور جنایت‌کاران، قاتلان، شکنجه‌گران، سانسورچیان، سرکوب‌گران و همکاران آن‌ها در رسانه‌های بزرگ از این منظر اهمیت بسیار دارد.

حضور و شیوه حضور یکی از همکاران سعید امامی در انتشار متن برنامه هویت در بی.بی.سی فارسی به تنهایی ارزش نوشتن حتی یک سطر را هم نداشت و من اگر این متن می‌نویسم تنها از آن روی است که از منظر معیارهای حرفه‌ای ژورنالیزم حضور او بدین شیوه آگاهانه یا ناآگاهانه و خواسته یا ناخواسته، تخریب نظام ارزشی - اخلاقی و عادی سازی جنایت است.

چندی پیش بی.بی.سی فارسی «کسی» را کشف و به عنوان کارشناس مسائل بین‌الملل به برنامه خود دعوت کرد که پروانه و داریوش فروهر را «قاتل» و مختاری و پوپنده و دیگر کشته‌شدگان قتل‌های موسوم به زنجیرای را «موجودهای ظاهرا ایرانی» می‌دانست و.. بی.بی.سی فارسی به شیوه همیشگی خود، که همان روال شناخته‌شده‌ی رسانه‌هایی است که از موقعیت انحصاری و رانت‌های دولتی برخوردار و از نظارت حرفه‌ای رها هستند، در باره انتقادهای چند نفر، از جمله من، به چهره سازی از این «کس» سکوت کرد. اما اکنون کار از این حد برگزشته و نوبت به چهره سازی از همکار انتشاراتی سعید امامی در قتل‌های موسوم به زنجیره‌ای رسیده‌است

چند توضیح ضروری

۱ - همه انسان‌ها، حتا قاتلان و جنایت‌کاران و سرکوب‌گران و همکاران آنها نیز باید که از حق «آزادی بیان بی حصر و استثنا» برخوردار و حق و امکان داشته باشند که نظر خود را در هر مورد و موضوع و از هر رسانه‌ای که به آنها فضا دهد، آزادانه بیان کنند و هیچ کس حق ندارد آنها را از این حق محروم کند.

۲ - اما رسانه‌های حرفه‌ای در انتشار آنچه منتشر می‌کنند، در دعوت از کسان برای مصاحبه یا میزگرد، در معرفی میهمانان خود به مخاطبان و.. معیارهایی دارند. به مثل رسانه حق ندارد به مخاطبان خود دروغ بگوید و از جمله در معرفی میهمانان خود نیز باید که راست بگوید و راست گوئی به معنای گفتن مولفه‌های مهم حقیقت نیز هست که پوشاندن این مولفه‌ها از مخاطبان دروغ‌گوئی است. انتشار نظرهای گوناگون از کارکردهای اصلی رسانه‌ها است و رسانه مسئول نظرهای کسان نیست اما مسئول درستی داده‌ها و اطلاعاتی است که منتشر می‌کند، و.. هیچ رسانه‌ای حق ندارد اعترافات زیر شکنجه کسی را بدون اجازه او و بدون بیان آن‌که این اعترافات زیر شکنجه گرفته شد منتشر کند و اگر چنین کند معیارهای حرفه‌ای و انسانی را پایمال کرده‌است.

برخی از این معیارها به رویه قضائی نیز بدل شده‌اند به مثل خود بی.بی.سی فارسی چندی پیش در متنی با عنوان «پرس تی‌وی به دلیل پخش اعتراف تلویزیونی جریمه شد» خبر داد که «افکام، نهاد ناظر بر رسانه‌های بریتانیا»، پرس تی‌وی را بر اثر شکایت آقای مازیار بهاری و به اتهام پخش اعترافات زیر شکنجه او به پرداخت صد هزار پوند جریمه محکوم کرد و

۳ - این درست است که در میزگردها باید که از صداها و نظرهای گوناگون دعوت شوند تا همه صداها، حتا صدای سرکوب‌گران و هواداران نظام تک صدائی و استبدادی جمهوری اسلامی نیز شنیده شود، درست

است که برخورد آراء بر جذابیت میزگرد افزوده و مانع از تک صدائی شدن آن می‌شود اما در این مورد نیز معیارهائی وجود دارد به مثل کسانی که دعوت می‌شوند باید که در موضوع بحث تخصص یا تجربه زیسته داشته باشند، پژوهش‌ها و جستارهایی در این باره نوشته‌باشند و.. دعوت کسی به یک برنامه، وقتی که او هیچ صلاحیت، سابقه علمی یا تجربی یا پژوهشی در موضوع بحث ندارد، کاری غیرحرفه ای است و در مواردی چهره سازی جانبدارانه و نشانه کاسه‌ای زیر نیم کاسه . - به مثل دعوت صفحه دو بی.بی.سی فارسی از آقای مهدی خزعلی، که هیچ سابقه پژوهشی، تالیفی و.. و هیچ تجربه زیسته‌ای در باره مسائل زنان ندارد، برای بحث در باره موقعیت زنان در ایران که به دلیل دیگری موضوع اصلی این متن است

- دولتمردان نظام‌های سرکوبگر، چه آن‌ها که از موضع و کارنامه خود دفاع می‌کنند و چه آن‌ها که ۴ مدعی تحول هستند نیز حق دسترسی به رسانه‌ها را دارند و پرسش‌های خبرنگاران یا مجریان برنامه است که حد حرفه‌ای رسانه و جانبداری یا ناجانبداری رسانه را نشان می‌دهد. - به مثل وقتی بی.بی.سی فارسی از آقای عطاالله مهاجرانی معروف، مدافع فتوای قتل سلمان رشدی و وزیر اسبق ارشاد اسلامی - نهاد سانسور- به کرات دعوت و با خودداری از طرح پرسش‌های انتقادی یا چالشی به شیوه سیمای جمهوری اسلامی، هیچ پرسشی در باره کتاب او در توجیه قتل سلمان رشدی، سانسور در وزارت ارشاد و همکاری او با وزارت اطلاعات در سرکوب روشنفکران مستقل مطرح نمی‌کند، معیارهای حرفه‌ای ژورنالیسم در پای چهره سازی و جانبداری سیاسی قربانی شده است

- همگان حق دارند نظر خود را در هر موردی آزادانه بیان کنند اما وقتی در کارنامه کسی قتل و شکنجه ۵ یا همکاری اثبات شده با قاتلان و شکنجه‌گران ثبت شده‌است چه؟

این جا پای شکنجه و قتل - جنایت - در میان است نه سیاست و اعتقاد حتا اگر قتل و شکنجه با سیاست و اعتقاد توجیه شود

چهره سازی برای تبلیغ انتخابات حتا به بهای عادی سازی جنایت؟

- برنامه هویت، که وزارت اطلاعات رفسنجانی - خامنه ای - فلاحیان با واسطه گروه سعید امامی در ۶ تولید آن نقش مهمی داشت و بر اساس اعترافات زیر شکنجه تولید شده بود، از مهم‌ترین تلاش‌ها برای زمینه سازی قتل‌های موسوم به زنجیره‌ای هم بود. در برنامه هویت اعتراف‌های زیر شکنجه کسانی چون عزت الله سبحانی، سعیدی سیرجانی، غلام حسین میرزا صالح و..، اتهام‌های نادرست علیه و داده‌های دروغ در باره زندگی خصوصی و فرهنگی روشنفکران مستقل و .. پخش شد. من که در آن روزگار در ایران بودم و خودم، - و مجله ادینه و جمع مشورتی کانون نویسندگان و..- از آماج‌های حمله‌های این برنامه بودیم، به

تجربه تلخ می دانم که هربار پخش این برنامه از سیمای اسلامی زندگی شخصی و فرهنگی، امنیت فیزیکی و اجتماعی و روانی ما و خانواده‌های ما را تا چه اندازه مختل می‌کرد. (یک تصویر: ماها را به نام در پرمخاطب‌ترین رسانه آن روزگار ایران عامل بیگانه و جاسوس معرفی می‌کردند و فرزندان ما در مدرسه با نگاه سرزنش آمیز، برخوردهای حذفی و این پرسش مواجه می شدند که چرا مادر یا پدرتان جاسوس هستند و...). به روزگاری که اینترنت و فضای مجازی و رسانه‌های تصویری خارج از کشور وجود نداشت و استبداد حاکم امکان پاسخگوئی را از ما سلب کرده بود، سیمای اسلامی تکتاز و پرمخاطب بود. برنامه هویت نه فقط به دلیل پخش اتهام‌ها و دروغ‌ها و اعتراف‌های تحمیلی زیر شکنجه، نه فقط به دلیل تولید فضای رعب و وحشت، که مهم تر از این همه به دلیل پیوند و نقش آن در قتل‌ها موسوم به زنجیره ای امری عادی نیست.

وزارت اطلاعات با برنامه ریزی و توافق و حمایت شورای امنیت ملی و رهبر جمهوری اسلامی، با واسطه گروه سعید امامی و حسین شریعتمداری و... برنامه هویت را با هدف زمینه‌سازی قتل روشنفکران مستقل تولید کرد. حتا بی.بی.سی فارسی هم در چند گزارش و متن به پیوند جدی بین قتل‌های موسوم به زنجیره ای و برنامه هویت پرداخته و در گزارش‌های خود نام ناشر - انتشارات حیان - و نام منتشر کننده این برنامه - مهدی خزعلی - را به صراحت نوشته است اما همین رسانه در برنامه صفحه دو خود در باره زنان همین شخص را بی هیچ توضیحی دعوت و او را «نویسنده و فعال سیاسی» معرفی می‌کند تا او شرکت در انتخابات مجلس را تبلیغ و از نبود آپارتاید- تبعیض - جنسیتی در ایران بگوید. چهره سازی برای تبلیغ انتخابات حتا به بهای عادی سازی جنایت؟

- حضور یکی از همکاران گروه برنامه هویت در بی.بی.سی فارسی حتا با حضور مهاجرانی معروف ۷ و... نیز متفاوت است. آقای مهدی خزعلی به عنوان صاحب «انتشارات حیان» متن برنامه هویت، و از جمله اعترافات زیر شکنجه عزت الله سبحانی، سعیدی سیرجانی و غلام حسین میرزا صالح و.. را نه فقط منتشر که در مقدمه‌ای به امضای خود، که هنوز هم از آن دفاع می‌کند، این برنامه را تایید کرده‌است. او در مقدمه خود از جمله نوشته است: «بداندیشان دیگر با سلاح نظامی و سیاسی به مبارزه نمی‌آیند، لشکر کفر با شعار استحاله فرهنگی در راه است... هویت، نقلی است مستند، از صف آرای بیگانگان، هویت هشدار است به سهل انگاران. و سخن ما در این برهه‌ی حساس که مقام معظم رهبری مدظله آنرا «شبیخون فرهنگی» نامیدند، جز ابلاغ رسالت و ادای تکلیف نبود

سکوت رسانه در برابر جنایت، کتمان جنایت است

۸ - اما حتا همکاران شکنجه‌گران و فاتلان نیز باید که از حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به رسانه‌ها

برخوردار باشند اما رسانه، اگر حرفه‌ای و ناجانبدار باشد، اگر کاسه‌ای زیر نیم کاسه پنهان نکرده باشد، در باره همکاری آنان می‌پرسد و به آنان، و به هیچ کس، مجال نمی‌دهد تا در موضوعی که در آن هیچ سابقه، تخصص، تجربه و پژوهشی ندارند سخن بگویند.

- مرا به مزخرفاتی که آقای خزعلی در دفاع از جمهوری اسلامی و نبود تبعیض جنسیتی در ایران و ۹ تبلیغ شرکت در انتخابات مجلس آینده گفت کاری نیست. بحث من نه در باره حضور مدافعان جمهوری اسلامی در رسانه‌ها که در باره «شیوه حضور» رسانه‌های کسانی است در کارنامه آنان جنایت یا همکاری با جنایتکاران ثبت شده است. بی.بی.سی فارسی برای به گوش رساندن صدای مدافعان جمهوری اسلامی انتخاب‌های دیگری هم داشت. در همان میزگرد خانمی محجبه مسلط تر از آقای خزعلی صدای اسلام و جمهوری اسلامی را به گوش مخاطبان رساند. در میان پاهای ثابت برنامه های بی.بی.سی فارسی مدافعان به اصطلاح اصلاح طلب و تحول خواه و... جمهوری اسلامی، که دستکم سابقه همکاری مستقیم با سعید امامی را در کارنامه خود ندارند، کم نیستند اما وقتی از این میان همکار انتشاراتی سعید امامی دعوت می‌شود تا بدون هیچ سابقه و تخصصی در موضوع میزگرد و بدون هیچ پرسشی در باره همکاری او با جنایتکاران، داد سخن بدهد، پرسش در باره دلیل حضور او روا نیست؟

- این نیز بنویسم که آقای مهدی خزعلی، که به گفته خود به اصلاح طلبان حکومتی پیوسته، در سال ۱۰ های گذشته در باره کتاب هویت و مقدمه خود بر این کتاب سخنان متضاد و متناقض گفته است. از جمله: «من هیچ ارتباط تشکیلاتی و کاری با سعید امامی نداشتم»، «من اصلا سعید امامی را نمی‌شناختم». گفتگوی من با سعید امامی در حوزه تئوری و بحث دینی و فرهنگی بوده است» (گفت و گو با کسی که «اصلا نمی‌شناخته»؟) «.. برنامه تلویزیونی هویت را به صورت مستند مکتوب منتشر کردم در آن ایام دگراندیشانی که نامشان در کتاب آمد مخالفتی نکردند حتی هوشنگ گلشیری از آن دفاع کرد» ... (دفاع گلشیری از برنامه هویت دروغ محض است. در آن ایام جلادان و شکنجه گران به دیگراندیشان اجازه نفس کشیدن هم نمی‌دادند چه رسد به امکان مخالفت با برنامه و کتاب هویت)

کسانی که این مجموعه را ساختند باید برایشان دعا کرد .. ما باید از آنها تقاضا کنیم هویت ۲ و جلد دوم «هویت را بعد از خوانده شدن رمز عملیات تهاجم فرهنگی است، ... رو کنند

و در سال ۷۸ در مصاحبه با روزنامه صبح امروز

در این برنامه به این افراد فرصت داده شد که عقایدشان را بگویند. (فرصت گفتن عقاید بسته بر تخت «شکنجه!» در واقع عقایدشان گفته شده است این سخنان و کلمات آنهاست که از نوارها و کتابها و آثارشان

در مطبوعات پاراگراف به پاراگراف آمده است. خب حالا هر یک از این نویسندگان که می‌خواهند بیایند از مطالبی که در «هویت» است دفاع کنند

صبح امروز : آن حرف‌هایی که به زور گرفته شده، چی؟

«مهدی خزعلی : بیایند تکذیب کنند

در باره این حد از وقاحت حرفی ندارم

- اغلب روشنفکران مستقل ایران از حضور در رسانه‌های داخلی محروم اند . در خارج از کشور ۱۱ بی.بی.سی هنوز هم، و به رغم همه انتقادات، از دیگر رسانه‌های تصویری حرفه‌ای‌تر است. بسیاری از میهمانان بی.بی.سی بر اساس معیارهای سیاسی جانبدارانه‌ای گزیده می‌شوند اما این رسانه گاهی به صداهای متفاوت مستقل نیز امکان حضور می‌دهد و به نظر من در موقعیتی که صداهای مستقل متفاوت از همه امکانات رسانه ای محروم اند، می‌توانند از این امکان بهره بگیرند تا مخاطبان انبوه این رسانه گاهی هم صداهای مستقل متفاوت را نیز بشنوند

ختم کلام

برخورد چالشی و انتقادی یا برخورد غیرانتقادی و توجیه‌گر رسانه‌ها و جامعه و مردم با جنایت‌کاران و همکاران آن‌ها از شاخص‌های شناخت نظام ارزشی و تلقی جامعه از جنایت و احتمال تکرار جنایت است. مجازات یا بخشش جنایت‌کاران امری دیگر است اما این نوع برخورد جامعه است که نظام ارزشی و تلقی جامعه را از جنایت تصویر می‌کند. (بوده‌اند جوامعی که به مثل شماری از جنایت‌کاران را مجازات کرده‌اند اما و در همان زمان یا کمی بعد دست به همان جنایت‌ها زده اند به مثل اعدام چند شکنجه‌گر در اوائل انقلاب به دست کسانی که خود شکنجه‌گر بودند یا شدند)

قبح جنایت در نظام ارزشی جامعه در برخورد غیرانتقادی با جنایت می‌ریزد. پذیرش و عادی سازی جنایت راه را بر تکرار جنایت هموار می‌کند. کافی است برخورد بی.بی.سی فارسی را با جنایت‌کاران با برخورد بی.بی.سی انگلیسی زبان یا دیگر رسانه‌های معتبر اروپای غربی مقایسه کنیم. کسانی که در آلمان زندگی می‌کنند می‌دانند که رسانه‌های معتبر آلمانی در مصاحبه با مستبدین، سرکوب‌گران، سانسورچیان و جنایت‌کاران چه برخوردی می‌کنند

رسانه‌ای جدی و حرفه‌ای و ناجانبدار اگر یکی از همکاران سعید امامی را دعوت کند از او در باره کارنامه او می‌پرسد اما بی.بی.سی فارسی چنین کسی را دعوت و بدون اشاره به کارنامه او، گذشته او را پنهان و

او را «نویسنده» معرفی کرده و به او مجال می دهد تا در باره موضوعی سخن بگوید که در آن هیچ صلاحیت، تجربه زیسته، کار تالیفی و پژوهشی ندارد. بی.بی.سی فارسی با این شیوه برخورد، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناآگاهانه ، قبح زشتی را می ریزد، جنایت را عادی سازی می کند. عادی سازی جنایت راه را بر تکرار جنایت هموار می کند

این متن می توانست همین یکی دو پاراگراف باشد. دلیل طولانی تر شدن آن را در آغاز نوشتم

ازسایت اخبار روز